



قرینه خارجی تأثیرگذار در فهم معنای
احادیث «الإمام لا یغسله إلا الإمام»؛
پاسخی به شبهه واقفیه در امامت امام رضا^{علیه السلام}

محمد عافی خراسانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۳

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۱/۲۲

چکیده

در شماری از روایات آمده است که فقط امام، غسل امام پیشین را انجام می‌دهد. فرقه واقفیه از این روایات برای القای شبهه در امامت امام رضا^{علیه السلام} بهره برده‌اند؛ چرا که ایشان در هنگام غسل پدر، در شهری بسیار دور بوده و به طور طبیعی امکان حضور نداشتند. باید توجه داشت که اشکال‌هایی از درون این روایات نسبت به دلالت آن‌ها بر نشانه امامت وجود دارد. این مقاله، با توجه به وجود این تردیدها در درون روایات غسل امام، به سراغ احادیثی رفته است که از یک‌سو، تردیدی در دلالت آن‌ها بر نشانه امامت نیست و از سوی دیگر، به صورت یک‌جا به ذکر چند نشانه امامت پرداخته‌اند. با درنگ در تمامی این احادیث که متعلق به امامان گوناگون است و به روایت راویان مختلف نقل شده و در منابع مختلفی نیز آمده است، روشن شد که در هیچ‌کدام از آن‌ها، هیچ اشاره‌ای به موضوع غسل امام به‌عنوان یک نشانه امامت نشده است. این مسئله یک قرینه خارجی مهمی است که می‌تواند در دلالت این روایات بر نشانه امامت، ابهام‌ها را بیشتر کند. هنگامی که این قرینه خارجی به اشکال‌های داخلی روایات غسل امام ضمیمه شود، آشکار می‌شود که روایات غسل امام بیانگر نشانه امامت نبوده‌اند و در نتیجه، توانایی ایجاد اشکال در امامت امام رضا^{علیه السلام} را ندارند.

واژگان کلیدی

روایات غسل امام، امام کاظم^{علیه السلام}، امام رضا^{علیه السلام}، نشانه‌های امامت، واقفیه، قرینه‌های برون‌متنی.

مقدمه

نگاه به قرینه‌های خارجی در کنار قرینه‌های داخلی، می‌تواند نقش مهمی در فهم معنای روایات داشته باشد. پر واضح است که همچنان‌که باید به واکاوی در سند و متن روایات پرداخت، بایستی به دنبال قرینه‌هایی در خارج از متن آن‌ها نیز بود؛ چراکه این قرینه‌ها، گاهی باعث می‌شود تا فهمی که از متن آن روایات به دست آمده است، تقویت شود و گاهی نیز سبب می‌شود تا دریابیم فهمی که تنها با توجه به متن یا سند روایت داشته‌ایم، کاستی‌هایی داشته است. احادیثی که در این مقاله به طور عینی مورد توجه قرار گرفته و از یک قرینه خارجی برای فهم آن‌ها کمک گرفته شده است، گروهی از روایات است که از آن‌ها تعبیر به «روایات غسل امام» می‌کنیم. در این روایات آمده است که فقط خود امام علیه السلام عهده‌دار غسل امام پیشین علیه السلام است. از آن‌جا که این مسئله یک نشانه برای امامت امام علیه السلام قلمداد شده، پرواضح است که بررسی آن اهمیت شایانی دارد؛ به‌ویژه که با تفسیر آن به معنای نشانه امامت، به طور خاص در اثبات امامت امام رضا و امام جواد علیهما السلام با چالش‌هایی مواجه می‌شویم؛ چراکه این دو امام، هنگام شهادت پدران خویش در مسافت بسیار دوری بوده‌اند و اثبات حضور ایشان در غسل امام پیشین، آسان نیست؛ چنانکه فرقه واقفیه با برجسته‌سازی همین تفسیر از این روایات، به دنبال تشکیک در امامت امام رضا علیه السلام بوده‌اند (برای نمونه، ر.ک: کشی، ۱۴۰۹: ۴۶۴). از این رو، بایسته است درباره این روایات، پژوهشی در خور انجام گیرد.

در این راستا باید گفت قرینه‌هایی از درون روایات غسل امام وجود دارند که ما را نسبت به این‌که مسئله غسل امام یک نشانه امامت باشد، به تردید می‌اندازند. از جمله اشکال‌های دلالتی برخی از آن‌ها در دلالت بر نشانه امامت (ر.ک: الخراسانی، ۲۰۲۰م، سراسر اثر)، اضطراب متن برخی از آن‌ها، به‌گونه‌ای که مسئله غسل امام، تنها در برخی از نقل‌های این احادیث آمده و در برخی دیگر نیامده است (ر.ک: عافی خراسانی، ۱۴۰۰: ۱۴۵-۱۴۸).

در کنار قرینه‌هایی از درون این روایات که در مقاله‌های دیگری به تفصیل بررسی شده است (در ادامه، در پیشینه به این مقاله‌ها اشاره می‌شود)، شایسته است که به سراغ قرینه‌های خارجی نیز رفت تا از بیرون نیز نشان دهند که آیا واقعاً این روایات به نشانه امامت اشاره داشته‌اند یا خیر. این مقاله در پی آن است که به‌طور ویژه، بر یکی از مهم‌ترین موارد در میان این‌گونه قرینه‌ها تمرکز کند. این قرینه، احادیثی است که به‌صراحت در مقام بیان نشانه‌های امامت بوده‌اند.

توضیح این که وجود ابهام‌هایی در درون روایات غسل امام، نسبت به این که این روایات، مسئله غسل را به عنوان یک نشانه امامت مطرح کرده‌اند یا نه، تردید ایجاد می‌کنند. در چنین حالتی باید به سراغ احادیثی که -بر خلاف روایات غسل امام- به یقین در پی بیان علامات امام بوده‌اند، رفت تا مشاهده شود که آیا در آن‌ها، اشاره‌ای به مسئله غسل امام نیز وجود دارد یا خیر؟ نبود اشاره به غسل امام در میان این گونه احادیث که نشانه‌های بسیار متنوعی را بیان کرده‌اند و در برخی از آن‌ها یک جا، به مجموعه‌ای از نشانه‌ها اشاره شده است، می‌تواند قرینه‌ای دیگر بر این باشد که مسئله غسل امام، نشانه امامت نیست.

نخستین بحث مستقل درباره روایات غسل امام، رساله کوتاهی از سیدمرتضی است (سیدمرتضی، ۱۴۰۵ق، ۳: ۱۵۳-۱۵۷). ایشان بیان می‌کند که این روایات جزو اخبار آحادند و در نتیجه، قابل اطمینان نیستند؛ همچنین چند احتمال درباره معنای آن‌ها مطرح می‌نماید. اما در این رساله، سخنی در بررسی موشکافانه سند و دلالت این روایات و قرینه‌های داخلی و خارجی تأثیرگذار در فهم آن‌ها به چشم نمی‌آید.

پس از آن، هیچ بحث مستقلی درباره این روایات تا دوران معاصر یافت نمی‌شود. بیشتر بحث‌ها در طول این مدت، استطرادی و گذرا بوده است. برخی از علما، اشاراتی به این مسئله در لابه‌لای آثارشان داشته‌اند؛ از جمله شیخ صدوق (برای نمونه ر.ک: صدوق، ۱۳۷۸ق، ۱: ۱۰۵-۱۰۶؛ صدوق، ۱۳۹۵ق، ۱: ۷۱)، ابن شهر آشوب (ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹ق، ۱: ۲۵۳) علامه محمدتقی مجلسی (مجلسی، ۱۴۰۶ق-ب، ۱: ۳۷۱-۳۷۲) و علامه محمدباقر مجلسی (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۵۰: ۳۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۳: ۳۵۴؛ مجلسی، ۱۴۰۶ق-الف، ۲: ۴۹۵).

در آثار فقهی نیز باید گفت که برخی از فقیهان با استناد به روایات غسل امام، بعضی از روایاتی که در نگاه ایشان، معارض با آن‌ها بوده است را تضعیف و توجیه نموده‌اند (برای نمونه ر.ک: بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۳: ۳۹۱؛ حکیم، ۱۴۱۶ق، ۴: ۸۹؛ خوبی، ۱۴۱۸ق، ۸: ۳۵۴).

در دوران معاصر، در برخی آثار به مناسبت بحث درباره فرقه واقفیه، پیرامون این مسئله سخن گفته شده است؛ مانند آنچه آقای ریاض محمد حبیب الناصری مطرح نموده است (ناصری، ۱۴۰۹ق: ۹۵-۹۸). در سال‌های اخیر، مقاله‌ای در بررسی این روایات نگاشته شده است که مسئله غسل امام را از منظر واقع تاریخی و برخی از برداشت‌ها درباره آن بررسی نموده است (ر.ک: گودرزی و حسینیان مقدم، ۱۳۹۶: سراسر اثر). این مقاله تلاش خوبی برای فهم

بهرتر این روایات بوده است؛ اما در آن به همه احادیثی که به این مسئله دلالت دارند، توجه نشده است و سخنی در بررسی سندی و دلالتی این روایات نیز دیده نمی‌شود.

نگارنده این سطور در مقاله‌ای دو بخشی در جبران این کاستی، تلاش نموده و تمامی روایاتی که اشاره‌ای به مسئله غسل امام داشته‌اند را گردآوری کرده، به بحث سندی و دلالتی در تک‌تک آن‌ها پرداخته و نشان داده است که تقریباً تمامی این روایات از نظر سندی ضعیف یا بسیار ضعیف‌اند و تردیدهایی نیز در دلالت برخی از آن‌ها وجود دارد که آیا در مقام بیان نشانه امامت هستند یا نه (الخراسانی، ۲۰۲۰م: سرتاسر اثر).

همچنین نگارنده در مقاله‌ای دیگر، به گونه‌شناسی این روایات پرداخته است و مسائلی مانند اضطراب‌های موجود در متن برخی از این روایات را بررسی نموده است (عافی خراسانی، ۱۴۰۰). و در مقاله‌ای مستقل نیز به تفصیل به احتمال‌های معنایی گوناگونی که درباره این روایات می‌توان مطرح کرد، پرداخته و اثبات نموده است که با توجه به قرینه‌های گوناگون، معنای این روایات، بیان یک نشانه امامت نیست، بلکه - بر فرض صدور آن‌ها - تنها به معنای جایگاه والای امام اشاره دارند که هیچ‌کس جز امام بعدی، لیاقت غسل ایشان را ندارد (عافی خراسانی، ۱۳۹۹).

۱. گزارشی از محتوای روایات غسل امام

به طور سربسته باید گفت که شیخ کلینی در بابی که به این موضوع اختصاص داده، سه روایت آورده است:

یک) راوی می‌گوید که واقفیه به مسئله غسل امام احتجاج می‌کنند. امام رضا علیه السلام پاسخ می‌فرماید: «ما یدریهم من غسله؟!» سپس امام به راوی می‌فرماید به واقفیه بگوید که خود ایشان امام کاظم علیه السلام را غسل داده‌اند: «قل لهم ائی غسلته».

دو) راوی از امام رضا علیه السلام می‌پرسد: «آیا امام، امام دیگر را غسل می‌دهد؟» ایشان تنها پاسخ می‌دهد: «سنة موسى بن عمران علیه السلام».

سه) امام رضا علیه السلام در پاسخ به سؤال فردی درباره این که آیا امام، امام دیگر را غسل می‌دهد، می‌فرماید: «أما تدرؤن من حضر؟ لعله قد حضره خير ممن غاب عنه، الذين حضروا يوسف في الجب حين غاب عنه أبواه وأهل بيته»؛ آیا نمی‌دانید چه کسانی در غسل او حاضر شدند؟ شاید کسانی در غسل او حاضر شدند که از غایبان بهترند؛ یعنی همان کسانی که نزد یوسف علیه السلام در چاه

حاضر شدند، هنگامی که پدر، مادر و خاندانش غایب بودند (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۲: ۲۸۵ و ۲۸۶).

همچنین شیخ کلینی، خارج از این باب نیز حدیثی نزدیک به این موضوع نقل کرده است که مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام درباره غسل دهنده حضرت زهرا علیها السلام می پرسد و ایشان پاسخ می دهد: «امیر مؤمنان علیه السلام ایشان را غسل داده اند»؛ سپس امام با دیدن تعجب مفضل، می فرماید: «لا تضیقنَّ؛ فإنها صدیقه و لم یکن یغسلها إلا صدیق، أما علمت أن مریم لم یغسلها إلا عیسی؟!»؛ یعنی سینهات از آنچه شنیدی در تنگی نباشد؛ چرا که او زنی صدیقه بود و هیچ کس جز مرد صدیق نسزد که او را غسل دهد. آیا نمی دانی که مریم را جز عیسی غسل نداد؟! (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۲: ۴۹۴ و ۴۹۵؛ همان، ۵: ۴۲۰-۴۲۲؛ همچنین ر.ک: صدوق، ۱۴۱۳ق، ۱: ۱۴۲؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۴۴۰)

پس از روایات کلینی، برخی دیگر از روایت های مهم در این زمینه به شرح زیر است: در روایتی، راوی می گوید به امام رضا علیه السلام نامه نوشتم که برای ما از امام صادق علیه السلام روایت شده است که «فقط امام، امام را غسل می دهد، نظر شما چیست؟» امام رضا علیه السلام پاسخ فرمود که «آنچه به تو رسیده است، حقیقت دارد». پس از آن، خدمت ایشان رسیدم و گفتم: «چه کسی پدر شما را غسل داد و امور تجهیز ایشان را بر عهده گرفت؟» امام رضا علیه السلام فرمود: «لعل الذین حَضَرُوهُ أَفْضَلُ مِنَ الذِّینِ تَخَلَّفُوا عَنْهُ» (شاید کسانی که در غسل و تجهیز او حاضر شدند، بهتر از کسانی باشند که غایب بودند). پرسیدم: «آنها چه کسانی اند؟» فرمود: «حَضَرَهُ الذِّینِ حَضَرُوا یوسفَ علیه السلام ملائکه الله و رحمته»؛ همان کسانی بر او حاضر شدند که بر یوسف علیه السلام حاضر شدند؛ یعنی همان فرشتگان خداوند و رحمت او (حلی، ۱۴۲۱ق: ۷۶).

روایتی دیگر از زبان امام کاظم علیه السلام به وصیت امام صادق علیه السلام درباره غسل خود اشاره دارد: هنگامی که امام صادق علیه السلام به بیماری ای که با آن درگذشتند، مبتلا شدند، به من فرمودند: «یا بُنَّی، لایلی غسلی غیرک، فانی غسلتُ اَبی و الأئمةُ یغسل بعضهم بعضاً»؛ ای فرزندم، کسی جز تو غسل مرا به عهده نگیرد؛ چراکه من پدرم را غسل دادم و امامان، همدیگر را غسل می دهند (مسعودی، ۱۴۲۶ق: ۱۹۸).

روایتی دیگر به کمک رسانی فرشتگان به امامان بعدی در غسل تک تک امامان پیشین اشاره دارد (صفار، ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۲۵) که به طور ضمنی بر انجام غسل هر امام توسط امام بعدی دلالت دارد.

برخی روایت‌ها نیز به آمدن معجزه‌گونه امام رضا علیه السلام برای غسل پدر خویش در بغداد (صدوق، ۱۳۷۸ق، ۱: ۱۰۴)، امام جواد علیه السلام برای غسل پدر خویش در طوس (برای نمونه ر.ک: مسعودی، ۱۴۲۶ق: ۲۱۵)، امام هادی علیه السلام برای غسل پدرشان در بغداد (علی بن بابویه، ۱۴۰۴ق: ۸۵؛ ابن حمزه طوسی، ۱۴۱۹ق: ۵۰۹) اشاره دارند.

از آن‌جا که شمار این روایات، طبق جست‌وجوی نگارنده، به ۱۴ روایت می‌رسد و نقل همه آن‌ها در این مقام نمی‌گنجد، تنها به همین اندازه بسنده شد (برای آگاهی بیشتر ر.ک: الخراسانی، ۲۰۲۰م: سرتاسر اثر).

۲. نشانه‌های امامت در روایات امامان علیهم السلام

با جست‌وجوی انجام‌شده، روایات بیانگر نشانه‌های امامت تنها از چهار تن از امامان علیهم السلام یافت شد. در این مقاله، برای دسته‌بندی بهتر و چکیده‌گویی بیشتر، در ضمن عنوانی که به امامان متعدّد علیهم السلام اختصاص می‌یابد، ابتدا به طور گذرا، به تمام نشانه‌هایی که در روایات ایشان بیان شده، اشاره می‌شود و سپس تحلیلی کوتاه در خصوص روایات آن امام بیان می‌شود تا در پایان، تحلیل فراگیری با نگاه به مجموعه روایات امامان ارائه گردد. همچنین نشانه‌های امامتی که در این‌جا ذکر می‌شود، با چشم‌پوشی از درستی و نادرستی آن‌ها است که در جای دیگری باید بدان پرداخت:

۱-۲. نشانه‌های امامت در روایات امام باقر علیه السلام

احادیث گوناگونی از امام باقر علیه السلام در این باره رسیده است که عنوان نشانه‌های موجود در آن‌ها، از قرار زیر است:

نصّ و تصریح بر امامت او به وسیله امام پیشین، پاسخ دادن پیش از آن‌که از او سؤال شود، خبر دادن به مردم از آنچه در فردا رخ می‌دهد، سخن گفتن با مردم با هر زبانی (صدوق، ۱۴۰۳ق: ۱۰۱)، هدایت، اطراق^۱، اعتراف خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله به فضیلت او، از هیچ چیزی درباره

۱. این تعبیر می‌تواند به معنای سکوت (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۵: ۹۸) یا غصّ بصر و چشم به زمین دوختن باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۱۸؛ طریحی، ۱۳۷۵، ۵: ۲۰۶). علامه مجلسی احتمال می‌دهد که مراد از آن سکوت در حال تقیه و یا کنایه از سکینه و وقار باشد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۵: ۱۳۹). در تأیید سخن وی، شاید بتوان گفت که «سکینه» و «وقار» نیز جزو علامات امام دانسته شده است؛ چنانکه در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

قرآن سؤال نمی‌شود، مگر آن‌که پاسخ می‌دهد (صفار، ۱۴۰۴ق، ۱: ۴۸۹؛ علی بن بابویه، ۱۴۰۴ق: ۱۳۷؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۴۲؛ صدوق، ۱۳۶۲، ۱: ۲۰۰)، دیدن پشت‌سر مانند پیش‌روی خود (صفار، ۱۴۰۴ق، ۱: ۴۲۱؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ۲: ۲۹۷)، برپا داشتن نماز و ادای زکات و امر به معروف و نهی از منکر (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ۲۷۴)^۱، پاکیزه و ختنه‌شده به دنیا می‌آید، جُنُب نمی‌شود، چشم او می‌خوابد، اما قلب او نمی‌خوابد، تَثَاؤُب^۲ و تَمَطُّی^۳ نمی‌کند، نَجْوِی^۴ او رایحه‌ای مانند مُشک دارد و زمین مأمور به پنهان کردن و فروبلعیدن آن است، هنگام زاده شدن با دو کف دست به زمین می‌افتد^۵ و صدای خود را به شهادتین بلند می‌کند، اندازه بودن زره پیامبر ﷺ بر تن او، اما اگر دیگران آن را بپوشند، برای آن‌ها بزرگ‌تر خواهد بود (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹ق، ۲: ۲۹۷).

این نشانه‌ها به طور پراکنده در منابع گوناگون ذکر شده و تنها در یک روایت نیامده است. همچنین تنها یک راوی نیز آن‌ها را نقل نمی‌کند، بلکه راویان گوناگونی‌اند؛ هم‌چون زراره (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹ق، ۲: ۲۹۷)، ابوالجارود (برای نمونه ر.ک: نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۴۲؛ صدوق، ۱۳۶۲، ۱: ۲۰۰) و ابوخلیفه (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ۲۷۴).

در میان این روایات که نشانه‌های امامت را به نقل از این امام بیان کرده‌اند، برخی از آن‌ها تعبیرهای جالب‌توجهی دارند؛ به‌عنوان مثال، در یکی از آن‌ها، سخن امام چنین آغاز می‌شود: «لِلْإِمَامِ عَشْرُ عِلْمَاتٍ...» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۲: ۲۹۷)؛ سپس ده نشانه، یک‌جا ذکر می‌شود، اما با این وجود، هیچ سخنی از غسل امام در میان نیست. در موردی دیگری نیز راوی درباره

۱. البته از سیاقی که این نشانه در این روایت ذکر شده است، احتمال می‌رود که در خصوص امام مهدی ﷺ باشد؛ چنانکه این احتمال درباره برخی دیگر از نشانه‌ها نیز وجود دارد که در جای خود، شایسته بررسی است.
۲. «تَثَاؤُب» در لغت به معنای خمیازه کشیدن است (ر.ک: ابن‌درید، ۱۹۸۸م، ۱: ۲۶۳؛ ابن‌اثیر، ۱۳۶۷، ۱: ۲۰۴) و شاید در این جا کنایه از تبلی و سستی نیز باشد.
۳. «تَمَطُّی» در لغت به معنای کشیدن عضلات است (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۷: ۴۶۳؛ ابن‌انباری، ۱۴۱۲ق، ۱: ۴۲۲؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ۲: ۵۳۷)؛ به‌ویژه به‌نحوی که اغلب در هنگام خمیازه انجام می‌شود (ر.ک: زمخشری، ۱۹۷۹م: ۵۹۸).
۴. این واژه به معنای آن چیزی است که از شکم بیرون می‌آید (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۶: ۱۸۶؛ صاحب بن عبّاد، ۱۴۱۴ق، ۷: ۱۸۸).
۵. شاید کنایه از سجده باشد.

نشانه‌های امام می‌پرسد و امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «بخصالِ أولها... و...» (صدوق، ۱۴۰۳ق: ۱۰۱) و چند علامت ذکر می‌شود و باز هم نامی از غسل امام به میان نمی‌آید. بنابراین، نبود اشاره به مسئله غسل، با وجود این حجم از نشانه‌های گوناگونی که در این روایات از امام باقر علیه السلام به ما رسیده است، جالب توجه است؛ به خصوص در روایاتی که دارای تعبیرهایی است که نشان از آن دارد که شمار قابل توجهی از نشانه‌های امامت در آن‌ها بیان شده است.

۲-۲. نشانه‌های امامت در روایات امام صادق علیه السلام

سکینه و وقار، علم و وصیت (صفار، ۱۴۰۴ق، ۱: ۴۸۹؛ علی بن بابویه، ۱۴۰۴ق: ۱۳۸؛ صدوق، ۱۳۶۲، ۱: ۲۰۰)، فضیلت او، به گونه‌ای که هیچ‌کس نمی‌تواند به او درباره [آلودگی به گناهان] دهان یا شکم یا فرج طعنه‌ای بزند، حلال‌زادگی، حُسن منشأ (به معنای تربیت خوب، یا دارای کمال بودن از زمان کودکی) (ر.ک: مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ۶: ۹۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۳: ۲۰۶)، عدم اشتغال به بازی و لهو (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱: ۷۱۰)، بزرگ‌ترین فرزند پدر بودن، مگر این‌که فرزند بزرگ‌تر مبتلا به مرض و نقصانی باشد (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱: ۷۱۱)؛ امر به معروف و عدالت و نیکوکاری (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱: ۲۱۳؛ علی بن بابویه، ۱۴۰۴ق: ۱۳۸)، سزاوارترین مردم برای [جانشینی] امام پیشین، سلاح پیامبر صلی الله علیه و آله نزدش بودن، دارنده وصیت آشکار از امام پیشین،^۱ به گونه‌ای که اگر به شهر وارد شوی و از مردم و کودکان بپرسی که امام قبلی به چه کسی وصیت کرده است؟ می‌گویند: به او (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱: ۷۰۹؛ علی بن بابویه، ۱۴۰۴ق: ۱۳۸؛ مسعودی، ۱۴۲۶ق: ۱۸۴؛ صدوق، ۱۳۶۲، ۱: ۱۱۷)، پاکي، دانشمندترین مردم و پرهیزکارترین آن‌ها،^۲ معجزه و نشانه، چشم او می‌خوابد، ولی قلبش به

۱. پیش‌تر نیز به اصل «وصیت» اشاره شد، اما در این‌جا، تفسیری خاصی برای آن بیان شده است.

۲. نشانه‌هایی مانند پاکي (عصمت) و پرهیزکارترین و... که در میان این احادیث به چشم می‌آید، نشانه‌هایی نیستند که برای مردم عادی چندان قابلیت راستی‌آزمایی داشته باشند و در نتیجه، مشکل است به‌عنوان نشانه امامت مطرح شوند، اما از آن‌جا که در برخی روایات، از این مسائل به‌صراحت، تعبیر به «علامات امام» شده است، در این‌جا ذکر شد. شاید گاهی منظور از «علامت امامت»، همان صفت و خصوصیات امام بوده است، یعنی چیزهایی شبیه عصمت که معمولاً قابل ارزیابی نیستند. اما این‌که چرا این مسائل دقیقاً در لابه‌لای نشانه‌هایی با قابلیت راستی‌آزمایی ذکر شده‌اند، نیاز به پژوهشی جداگانه دارد.

خواب نمی‌رود، سایه ندارد، دیدن پشت سر مانند پیش روی خود (صدوق، ۱۳۶۲، ۲: ۴۲۸)، [آگاهی] به حلال و حرام، نیاز مردم به او، در حالی که او نیازی به مردم ندارد، فقط فرزند وصی است (جزو برادران و خویشاوندان دیگر او نیست) (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۴۲)، حلال کردن حرام و حرام کردن حلال و داشتن ظاهری گواه بر باطن (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۱۴).

باید توجه داشت که در میان روایات غسل امام، معتبرترین آن‌ها از امام صادق نقل شده است (برای آگاهی تفصیلی از این روایت، ر.ک: الخراسانی، ۲۰۲۰م، القسم الأول، ۱۴۴-۱۴۶) و از سویی دیگر، از نظر شمار روایات غسل امام نیز نسبت به امامان دیگر، شمار قابل توجهی از این روایات، از طریق این امام به ما رسیده است؛^۱ اما با این همه، با مراجعه به روایاتی که اصحاب از ایشان به صراحت درباره نشانه امامت می‌پرسند و یا خود امام به صراحت درباره «علامات الإمام» سخن می‌گویند، متوجه می‌شویم که هیچ اشاره‌ای به مسئله غسل امام در آن‌ها وجود ندارد، به خصوص که راویان این روایات نیز گوناگون‌اند؛ مانند هشام بن سالم، حفص بن بختری، معاویه بن وهب، حارث بن مغیره، عبدالاعلی بن عیین، فضل بن سکن. بنابراین این روایات، تنها از یک یا دو راوی نقل نشده است که احتمال آن برود پرسش و پاسخ‌هایی باشد که به صورت تکراری یا با اختلاف اندکی در منابع گوناگون آمده است، بلکه افراد مختلفی درباره نشانه امامت از امام صادق پرسیده‌اند و ایشان در پاسخ به هیچ‌یک از این سؤال‌ها به مسئله غسل اشاره نکرده‌اند. در این صورت، این احتمال بسیار پررنگ‌تر می‌شود که در روایات غسل امام نیز مراد امام صادق از طرح این‌که تنها امام، امام قبلی را غسل می‌دهد، نشانه امامت نبوده است.

همچنین باید گفت که فرقه واقفیه، روایات غسل امام را به معنای نشانه امامت تلقی کرده‌اند

۱. سه مورد از مهم‌ترین این روایات از امام صادق نقل شده است. یک: روایتی که درپاورقی پیشین به آن اشاره شد. دو: روایت وصیت کردن امام صادق به امام کاظم برای غسل ایشان (مسعودی، ۱۴۲۶ق: ۱۹۸؛ طبری صغیر، ۱۴۱۳ق: ۳۲۸؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ۴: ۲۲۴). البته باید توجه داشت که این روایت به نوعی از امام کاظم نیز محسوب می‌شود؛ چراکه امام کاظم راوی آن از امام صادق هستند (برای آگاهی از این روایت و وضعیت دلالی و سندی آن، ر.ک: الخراسانی، ۲۰۲۰م، القسم الأول، ۱۴۷-۱۵۰). سه: روایت غسل دادن امام زمان توسط امام حسین و تأکید بر این‌که فقط امام باید امام قبلی را غسل دهد (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۵: ۴۷۵؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ۲: ۲۸۱؛ حلی، ۱۴۲۱ق: ۱۶۴؛ برای آگاهی از این روایت و وضعیت دلالی و سندی آن، نک: الخراسانی، ۲۰۲۰م، القسم الثاني، ۱۸۲-۱۸۴).

و از آن‌ها برای تشکیک در امامت امام رضا علیه السلام استفاده کرده‌اند، چنانکه گذشت؛ اما بسیار شایسته درنگ است که برخی از روایاتی که از امام صادق علیه السلام درباره نشانه‌های امامت پرسیده شده و پاسخ داده‌اند، به وسیله خود واقفه نقل شده است و حتی در همین روایات نیز هیچ اشاره‌ای به مسئله غسل وجود ندارد؛ مانند روایتی که ابوسعید مکاری، از بزرگان واقفیه و منکران امامت امام رضا علیه السلام (ر.ک: قمی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۲۱۵؛ صدوق، ۱۳۷۸ق، ۱: ۳۰۸؛ همان، ۲: ۲۱۳؛ صدوق، ۱۴۰۳ق: ۲۱۸؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۸)، بایک واسطه از امام صادق علیه السلام نقل کرده است (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۴۲). جالب است که در این روایت، راوی چند بار از حضرت، نشانه امامت را می‌پرسد و امام علیه السلام هر بار نشانه جداگانه‌ای را ذکر می‌کنند، اما هیچ اشاره‌ای به مسئله غسل نمی‌شود.

همچنین شایسته ذکر است که در برخی از روایات نقل شده از امام صادق علیه السلام درباره نشانه‌های امامت، سیاق‌هایی وجود دارد که به شکل بهتری تأیید می‌کند که مسئله غسل امام، نشانه امامت نبوده است؛ برای نمونه، در یکی از این روایات که در منابع گوناگونی نیز آمده است، چنین تعبیری وجود دارد: «ثلاثة من الحجة لم تجتمع في أحدٍ إلا كان صاحبُ هذا الأمر»؛ سه چیز درباره امام هست که در هیچ‌کسی گرد هم نمی‌آید، مگر آن‌که او امام است (برای نمونه ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱: ۷۰۹؛ علی بن بابویه، ۱۴۰۴ق: ۱۳۸). همچنین در یکی دیگر از آن‌ها آمده است: «عشر خصالٍ من صفات الامام...» (صدوق، ۱۳۶۲، ۲: ۴۲۸). و در یک‌جا به ۱۰ نشانه مختلف اشاره شده است و هیچ نشانی از مسئله غسل در آن‌ها نیست.

۳-۲. نشانه‌های امامت در روایات امام کاظم علیه السلام

درباره نشانه‌های امامت، فقط یک روایت از امام کاظم علیه السلام یافت شد. از آن‌جا که واژگان این روایت اهمیت دارد، به طور تفصیلی‌تری به آن پرداخته می‌شود:

ابوبصیر از ایشان درباره نشانه‌های امام می‌پرسد: «بِمَ يعرف الإمام؟» پس حضرت می‌فرماید: «بخصالٍ، أما أولاهن ف...»، سپس چند نشانه مختلف را ذکر می‌کنند؛ مانند نص و تصریح پدر بر امامت او، از او پرسیده می‌شود و پاسخ می‌دهد و سؤال نمی‌شود و او، خود شروع به پاسخ می‌کند، خبر دادن از فردا، سخن گفتن با مردم به هر زبانی. در پایان نیز حضرت می‌فرماید: «بهذا يُعرفُ الإمام، فإن لم تكن فيه هذه الخصالُ فليس هو بإمام» (حمیری، ۱۴۱۳ق: ۳۳۹؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱: ۷۱۲). این تعبیر پایانی بسیار شایسته درنگ است؛ چراکه به نوعی

اشاره دارد که امام کاظم علیه السلام عمده نشانه‌ها را بیان کرده‌اند. در چنین شرایطی، جالب توجه است که هیچ اشاره‌ای به مسئله غسل امام وجود ندارد؛ همچنین باید گفت شخصی که این روایت را از ابوبصیر نقل می‌کند، علی بن ابی حمزه بطائی است که او نیز از بزرگان واقفیه است (ر.ک: کشی، ۱۴۰۹ق: ۴۰۴-۴۰۶؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۴۹؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۶۳).

۴-۲. نشانه‌های امامت در روایات امام رضا علیه السلام

از امام رضا علیه السلام نیز روایت‌های گوناگونی در مقام بیان نشانه‌های امامت رسیده است که به موارد زیر اشاره دارند:

بزرگ‌ترین فرزند پدر، فضیلت، وصیت روشن از طرف امام پیشین به گونه‌ای که اگر کاروانی وارد شهر شدند و پرسیدند: «امام پیشین به چه کسی وصیت کرد؟» پاسخ می‌دهند: «به او»، داشتن سلاح پیامبر صلی الله علیه و آله (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱: ۷۰۸ و ۷۱۱؛ علی بن بابویه، ۱۴۰۴ق: ۱۳۷؛ مسعودی، ۱۴۲۶ق: ۲۰۸؛ صدوق، ۱۳۶۲، ۱: ۱۱۶) یک روایت، نیز تنها به ظاهر بودن وصیت اشاره دارد (صدوق، ۱۳۷۸ق، ۲: ۱۰۲)، داناترین، حکیم‌ترین، پرهیزکارترین، بردبارترین، شجاع‌تری و معتبدترین مردم، ختنه شده به دنیا می‌آید، دیدن پشت سر مانند پیش رو، سایه ندارد، هنگام زاده شدن با دو دست به زمین می‌رسد و صدایش را به شهادتین بالا می‌برد، محتمل نمی‌شود، چشمش می‌خوابد، ولی قلبش نمی‌خوابد، محدث بودن، اندازه بودن زره پیامبر صلی الله علیه و آله بر اندام او، هیچ‌گاه بول و غائط او مشاهده نمی‌شود، سزاوارترین مردم به خودشان، مهربان‌ترین مردم به خودشان حتی بیشتر از پدر و مادر، خاکسارترین مردم نسبت به خداوند متعال، بیشتر از همه به امر و نهی‌های خودش پایبند است، مستجاب الدعوه بودن در هر دعایی، داشتن شمشیر ذوالفقار و داشتن صحیفه‌ای که نام شیعیان، صحیفه‌ای که نام دشمنان تا روز قیامت در آن ثبت است، صحیفه جامع و جفر بزرگ‌تر و کوچک‌تر و مصحف فاطمه علیها السلام (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۴: ۴۱۸؛ صدوق، ۱۴۰۳ق: ۱۰۲؛ صدوق، ۱۳۷۸ق، ۱: ۲۱۲-۲۱۳؛ صدوق، ۱۳۸۵ق، ۱: ۲۵۴)، نصّ، دلیل و علم (صدوق، ۱۳۷۸ق، ۲: ۲۰۰)؛ وجود چیزی شبیه به انگشتری در درون گوشت در یکی از کتف‌هایش (مفید، ۱۴۱۳ق، ۲: ۲۷۸).

بیشتر این نشانه‌ها در حالی از امام رضا علیه السلام روایت شده است که در پاسخ به سؤال‌های دیگران بوده‌اند. از این رو، این می‌تواند مؤید دیگری باشد که نشان دهد بیشتر روایات به‌صراحت در مقام بیان نشانه‌های امامت بوده است، نه این‌که امام سخنی درباره امامت

گفته‌اند و مشخص نباشد در مقام بیان نشانه‌های امام یا مسائل دیگری در توصیف امام بوده‌اند که لزوماً به معنای نشانه امامت نیست. همچنین باید دانست این سؤال‌ها نیز توسط روایان گوناگونی مانند حسن بن جهم، بزنی، حسن بن علی بن فضال، فضل بن شاذان و احمد بن عمر، پرسیده شده است و این‌گونه نیست که تنها یک راوی، آن‌ها را نقل کرده باشد، البته باید توجه داشت که واقفیه، امامت امام رضا^{علیه السلام} را قبول ندارند؛ بنابراین نمی‌توان از تفسیر امام رضا^{علیه السلام} از این روایات برای پاسخ به آن‌ها استفاده کرد؛ اما در برخی از روایات غسل امام آمده است که امام رضا^{علیه السلام} بر اصل این مطلب که امام بعدی باید امام قبلی را غسل دهد، صحه گذاشته‌اند (بدون این‌که آن را به معنای علامت امامت ذکر کنند). از این رو، می‌توان گفت از آن جایی که در احادیث بیانگر علامات امام که از امام رضا^{علیه السلام} نقل شده است، هیچ اشاره‌ای به مسئله غسل امام نیست، این مطلب قرینه‌ای است که مراد امام رضا^{علیه السلام} در جایی که مسئله غسل امام را درست دانسته‌اند، درستی این مسئله به عنوان یک نشانه امامت نبوده است (بر فرض پذیرش این مسئله که امام رضا^{علیه السلام} واقعا بر این مسئله صحه گذاشته‌اند).

۳. نشانه‌های امامت در سخنان و برداشت اصحاب امامان

همچنین شایسته است به نشانه‌های امامت که در سخنان اصحاب امامان به آن اشاره شده است نیز توجه کرد. گرچه سخنان ایشان نمی‌تواند به خودی خود، دلیلی بر نشانه‌های ادعایی ایشان باشد، اما باز هم می‌تواند اهمیت داشته باشد؛ از این جهت که یک قرینه مهم تاریخی است؛ زیرا نشان می‌دهد که اصحاب امامان، در آن زمان، به مسئله غسل به عنوان یک نشانه امامت نگاه می‌کرده‌اند یا خیر؟ و به عبارتی دیگر، اصحاب امامان که در زمان خود ایشان بوده‌اند و روایات غسل را - بر فرض صدور آن‌ها - شنیده‌اند، آیا معنای نشانه امامت را از آن برداشت می‌کرده‌اند یا خیر؟

همچنین سخن اصحاب تا حدودی می‌تواند قرینه‌ای بر سخن خود امامان باشد، به خصوص اگر سخن اصحاب برجسته امامان باشد؛ زیرا به احتمال قوی، نشانه‌ها را از خود امامان گرفته‌اند. آری، در مواردی که قرینه‌ای بر اجتهادی بودن آن‌ها باشد و یا قرینه دیگری بر خلاف آن باشد، این احتمال کم‌تر می‌شود.

در این راستا، باید گفت آنچه از اصحاب امامان در این باره یافت شد، سخنی از هشام بن حکم است که از وی درباره نشانه‌های امام پرسیده می‌شود و او به چند مسئله اشاره می‌کند؛ اما

در این میان، هیچ اشاره‌ای به قاعده غسل نمی‌کند (صدوق، ۱۳۸۵ق، ۱: ۲۰۳). جالب توجه است که سخن هشام نیز به وسیله بزرگان واقفه، همچون علی بن ابی حمزه بطائنی و پسرش (ر.ک: ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۵۱؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۶؛ همچنین ر.ک: کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۵۲ و ۴۴۳) روایت شده است که این نیز قرینه قابل توجه دیگری علیه واقفیه است.

۴. بررسی و تحلیل روایات پیش گفته

یکی از نکته‌های تأثیرگذار در استدلال به آنچه گفته شد، مسئله اطلاق مقامی است. باید دانست که در اصطلاح اصول فقه، دو نوع اطلاق‌گیری وجود دارد: اطلاق حکمی و اطلاق مقامی. در اطلاق حکمی، به دنبال آن هستیم که قیدی را نفی کنیم که اگر می‌بود، باعث تضییق دایره آن مفهوم اصلی می‌شد؛ برای مثال، اگر خداوند بفرماید: «به خویشاوندان خود نیکی کنید»، در این جا اطلاق حکمی می‌گیریم به این معنا که این حکم شامل همه خویشاوندان است، چه عادل باشند، چه فاسق و گنه‌کار. در این حالت، ما با اطلاق‌گیری به دنبال نفی کردن قیدی هستیم که اگر می‌بود، دایره مفهوم «خویشاوندان» را تنگ‌تر می‌کرد.

اما در اطلاق مقامی، به دنبال نفی کردن قیدی هستیم که اگر می‌بود، مفهومی در کنار آن مفهوم اصلی می‌بود و دایره آن مفهوم را تضییق نمی‌کرد؛ برای مثال، اگر خداوند بفرماید: «اجزای نماز، حمد و سوره، رکوع و سجود است»، در این جا اطلاق مقامی می‌گیریم به این معنا که از نبود اشاره به اجزای دیگر، نتیجه می‌گیریم که اجزای نماز همین موارد است و جزء دیگری ندارد. در این جا، با اطلاق‌گیری به دنبال نفی جزئی از نماز هستیم که اگر بود، جزئی در کنار اجزای دیگر نماز بود (خویی، ۱۴۲۲ق، ۱: ۱۵۷؛ صدر، ۱۴۱۷ق، ۳: ۴۳۲).

آنچه این مقاله به دنبال آن است، چیزی شبیه به اطلاق مقامی است؛ یعنی نگارنده با استدلال به این که در هیچ کدام از روایات بیانگر نشانه‌های امامت، اشاره‌ای به مسئله غسل امام وجود ندارد، به دنبال آن است که اثبات کند مسئله غسل امام، جزو نشانه‌های امامت نیست (از آن جا که اگر از غسل امام در این روایات یاد می‌شد، نشانه‌ای در کنار نشانه‌های دیگر امامت می‌بود؛ از این رو، بایستی این اطلاق‌گیری را اطلاق مقامی دانست، نه اطلاق لفظی). برای این که این استدلال، بهتر مشخص شود، باید به گستره روایاتی که نشانه‌های امامت را بیان کرده‌اند، توجه نمود. این نشانه‌ها در زمان‌های گوناگون و از امامان متعدد روایت شده است؛ همچنین تنها به روایت راویان خاصی نیز نبوده و تنوع راویان آن‌ها نیز قابل مشاهده است و از

سوی دیگر، تنها در یک یا دو منبع نیامده، بلکه در منابع مختلفی نقل شده است.

جدول ۱: گستره روایات بیانگر نشانه‌های امامت

گوناگونی امامان	امام باقر ^{علیه السلام} ، امام صادق ^{علیه السلام} ، امام کاظم ^{علیه السلام} و امام رضا ^{علیه السلام}
گوناگونی راویان	زراره، ابوالجارود، ابوخلیفه، هشام بن سالم، حفص بن البختری، معاویه بن وهب، حارث بن المغیره، عبدالاعلی بن أعین، فضل بن سکن، ابوبصیر، حسن بن جهم، بزطی، حسن بن علی بن فضال، فضل بن شاذان و احمد بن عمر
تنوع منابع	قرب الاسناد حمیری، بصائر الدرجات، الکافی، الغیبه نعمانی، کتاب‌های مختلف شیخ صدوق و کتاب‌هایی دیگر مانند: الامامة والتبصرة و اثبات الوصية.

با توجه به حجم این‌گونه روایات، روشن می‌شود که نبود هیچ اشاره‌ای به مسئله غسل امام در آن‌ها، نمی‌تواند اتّفاقی باشد و این مطلب، یک قرینه مهم است که نشان می‌دهد این مسئله، نشانه امامت نبوده است.

آری، ممکن است اشکال شود که در بسیاری از این روایات، معلوم نیست که امامان علیهم السلام در مقام بیان همه نشانه‌های امامت بوده باشند و شاید تنها به ذکر برخی از آن‌ها بسنده کرده‌اند، بلکه در بعضی از آن‌ها روشن است که به همه نشانه‌ها اشاره نشده است؛ مانند مواردی که در پاسخ فرموده‌اند: «علامات، منها...» (برای نمونه، ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱: ۷۰۸). از این رو، نمی‌توان از نشانه‌های ذکرشده در این روایات، اطلاق گرفت و از نبود اشاره به مسئله غسل در آن‌ها، نتیجه گرفت که این مسئله نشانه امامت نیست.

در پاسخ باید گفت چنین اشکالی واقع‌بینانه نیست؛ زیرا هر چند با نگاه جزئی به تک‌تک این روایات، در بسیاری از آن‌ها نمی‌توان گفت که امامان در مقام بیان تمام نشانه‌ها بوده‌اند، اما با توجه به این‌که این روایات بسیار دامنه‌دار بوده و شامل زمان‌های گوناگون و روایت امامان و راویان گوناگون و منابع مختلف است، می‌توان گفت که با نگاه به مجموعه آن‌ها، روشن می‌شود اگر چنین چیزی نشانه امامت بود، باید حداقل در یک روایت ضعیف در میان این حجم از این‌گونه روایات، نامی از آن نیز به‌عنوان نشانه امامت برده می‌شد.

افزون آن‌که در برخی از این روایات -مانند روایت امام کاظم^{علیه السلام}-، سیاق احادیث به‌گونه‌ای است که گویا امام در مقام بیان تمام نشانه‌ها هستند و یا دست‌کم، اکثر قریب به اتفاق آن‌ها را بیان می‌کنند، چنانکه گذشت. همچنین در برخی روایات نیز گر چه تصریح نشده است که در مقام بیان همه نشانه‌ها است، اما شمار انبوهی از نشانه‌ها را یک‌جا ذکر کرده است، به‌طوری که بیشتر

نشانه‌هایی که در روایات دیگر به شکل پراکنده آمده است را دارا است؛ مانند روایت ابن فضال از امام رضا علیه السلام (صدوق، ۱۳۶۲، ۲: ۵۲۷). در این موارد نیز حتی اگر اثبات نشود که روایت در مقام بیان تمام نشانه‌ها است، اما چون یک‌جا به نشانه‌های بسیاری اشاره شده است، نبود اشاره به مسئله غسل، قرینه دیگری است که نشان می‌دهد مسئله غسل امام، نشانه امامت نیست.

از قرینه‌های دیگری که استدلال مورد نظر نگارنده را تقویت می‌کند، این است که برخی از روایاتی که به صراحت به ذکر نشانه‌های امامت پرداخته‌اند، به وسیله خود واقفیه روایت شده‌اند و با این وجود، هیچ اشاره‌ای به غسل در آن‌ها نیست (حمیری، ۱۴۱۳ق: ۳۳۹؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱: ۷۱۲؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۴۲) که این مسئله نیز چنانکه گذشت، خود قرینه قابل توجه دیگری است و در عمل می‌تواند به معنای اعترافی از سوی ایشان بر نشانه نبودن غسل امام باشد.

نتیجه‌گیری

با پژوهش انجام گرفته روشن شد که روایات بیانگر نشانه‌های امامت، شمار فراوانی دارد و از امامان گوناگون و به نقل راویان مختلف به ما رسیده و در منابع گوناگونی گزارش شده است؛ اما با وجود همه این موارد، هیچ اشاره‌ای به مسئله غسل امام در میان آن‌ها وجود ندارد. این در حالی است که در برخی از این روایات به انبوهی از نشانه‌های امامت یک‌جا اشاره شده و از سویی دیگر، برخی از این روایات از خود واقفیه نقل شده است که می‌خواسته‌اند مسئله غسل امام را نشانه امامت جلوه دهند. در این صورت، این می‌تواند یک قرینه خارجی قابل توجه باشد که در کنار اشکال‌های دیگری در داخل روایات غسل امام (مانند اشکال‌های دلالتی در درون آن‌ها)، ما را به این نتیجه می‌رساند که روایات غسل امام - بر فرض پذیرش صدور آن‌ها - در مقام بیان نشانه‌ای برای شناخت امام نبوده‌اند. از این رو، می‌توان با اطمینان گفت که این روایات نمی‌توانند هیچ‌گونه اشکالی در امامت امام رضا علیه السلام ایجاد نمایند.

منابع

۱. ابن انباری، محمد بن القاسم، (۱۴۱۲ق)، *الزاهر فی معانی کلمات الناس*، تحقیق: حاتم الضامن، بیروت، الرسالة.
۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد، (۱۳۶۷)، *النهاية فی غریب الحدیث والأثر*، تحقیق: محمود محمد طناحی، قم.

۳. ابن بابویه، علی بن حسین (منسوب)، (۱۴۰۴ق)، الإمامة والتبصرة، قم، مدرسة الامام المهدي عليه السلام.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، (۱۳۶۲)، النخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۵. _____، (۱۳۸۵ق)، علل الشرائع، قم، مكتبة الداوری.
۶. _____، (۱۳۷۸ق)، عیون أخبارالرضا عليه السلام، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان.
۷. _____، (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمة، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه.
۸. _____، (۱۴۰۳ق)، معانی الأخبار، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
۹. _____، (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۱۰. ابن حمزه طوسی، محمد بن علی، (۱۴۱۹ق)، الثاقب فی المناقب، تحقیق: نبیل علوان، قم، انصاریان.
۱۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۶۹ق)، متشابه القرآن و مختلفه، قم، بیدار.
۱۲. _____، (۱۳۷۹ق)، مناقب آل أبي طالب عليهم السلام، قم، علامه.
۱۳. ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸م)، جمهرة اللغة، تحقیق: رمزی بعلبکی، بیروت، دار العلم للملایین.
۱۴. ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۳۶۴)، الرجال، تحقیق: محمدرضا حسینی جلالی، قم، دار الحدیث.
۱۵. بحرانی، یوسف بن احمد، (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناضرة، تحقیق: محمدتقی ایروانی و عبدالرزاق مفرم، قم، جامعه مدرسین.
۱۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷ق)، الصحاح، تحقیق: احمد عطار، بیروت، دار العلم للملایین.
۱۷. حکیم، محسن (۱۴۱۶ق)، مستمسک العروة الوثقی، قم، دار التفسیر.
۱۸. حلی، حسن بن سلیمان، (۱۴۲۱ق)، مختصر البصائر، قم، النشر الإسلامی.
۱۹. حمیری، عبدالله بن جعفر، (۱۴۱۳ق)، قرب الإسناد، قم، آل البيت عليهم السلام.
۲۰. الخراسانی (عافی)، محمد، (زمستان ۲۰۱۹م و بهار ۲۰۲۰م)، «تغسیل الإمام كعلامة للإمامة، دراسة فی الروایات الإمامية»، القسم الأول والثانی، الاجتهاد والتجديد، بیروت، ش ۵۳-۵۴.
۲۱. خلیل بن احمد، فراهیدی، (۱۴۰۹ق)، العین، قم، هجرت.
۲۲. خویی، ابوالقاسم، (۱۴۱۸ق)، موسوعة الإمام الخوئی، قم، إحياء آثار الإمام الخوئی.
۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالقلم.

۲۴. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۹۷۹م)، *أساس البلاغة*، بیروت، دار صادر.
۲۵. موسوی، علی بن حسین (سیدمرتضی)، (۱۴۰۵ق)، *رسائل الشریف المرتضی*، قم: دار القرآن الکریم.
۲۶. صاحب بن عبّاد، اسماعیل، (۱۴۱۴ق)، *المحیط فی اللغة*، تحقیق: محمدحسین آل یاسین، بیروت، عالم الکتاب.
۲۷. صدر، محمدباقر، (۱۴۱۷ق)، *بحوث فی علم الأصول*، تقریرات محمود هاشمی شاهرودی، قم، دائرة المعارف فقه اسلامی.
۲۸. صفّار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات*، تحقیق: محسن کوجه باغی، قم، المكتبة المرعشیة.
۲۹. طبری صغیر، محمد بن جریر (منسوب)، (۱۴۱۳ق)، *دلائل الإمامة*، قم: نشر بعثت.
۳۰. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین*، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، تهران، المرتضویة.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، *تهذیب الأحکام*، تحقیق: حسن موسوی خراسان، تهران، الکتب الإسلامیة.
۳۲. _____، (۱۴۱۱ق)، *الغیبة*، قم، المعارف.
۳۳. عافی خراسانی، محمد، (۱۴۰۰)، «تحلیل گونه شناختی روایات غسل امام علیه السلام»، *علوم حدیث*، ش ۱۰۲.
۳۴. عافی خراسانی، محمد (۱۳۹۹)، «واکوی احتمال های معنایی در روایات (الإمام لا یغسله إلا الإمام)»، *امامت پژوهی*، ش ۲۸.
۳۵. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعة العلمیة.
۳۶. قمی، علی بن ابراهیم (منسوب)، (۱۴۰۴ق)، *تفسیر القمی*، تحقیق: طیب موسوی جزائری، قم، دارالکتاب.
۳۷. کشی، محمد بن عمر، (۱۴۰۹ق)، *رجال الکشی*، تحقیق: حسن مصطفوی، مشهد، نشر دانشگاه مشهد.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹ق)، *الکافی*، قم، دارالمحدیث.
۳۹. کوفی، فرات بن ابراهیم، (۱۴۱۰ق)، *التفسیر*، تحقیق: محمد الکاظم، تهران، وزارت ارشاد.
۴۰. گودرزی، ابراهیم و حسینیان مقدم، حسین، (زمستان ۱۳۹۶)، «بازشناسی حدیث "الإمام لا یغسله إلا الإمام"»، در *گفتمان واقفیه و امامیه*، *علوم حدیث*، سال ۲۲، ش ۴.
۴۱. مازندرانی، محمدصالح بن احمد، (۱۳۸۲ق)، *شرح الکافی*، تحقیق: ابوالحسن شعرانی، تهران، المكتبة الإسلامیة.
۴۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت، إحياء التراث العربی.

۴۳. _____، (۱۴۰۴ق)، *مرآة العقول*، تحقیق: رسولی محلاتی، تهران، الکتب الاسلامیة.
۴۴. _____، (۱۴۰۶ق- الف)، *ملاذ الأخیار*، تحقیق: مهدی رجائی، قم.
۴۵. مجلسی، محمدتقی بن مقصودعلی، (۱۴۰۶ق- ب)، *روضۃ المتقین*، تحقیق: حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهاردی، قم، کوشانپور.
۴۶. مسعودی، علی بن حسین (منسوب)، (۱۴۲۶ق)، *اثبات الوصیة*، قم، انصاریان.
۴۷. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق)، *الإرشاد*، قم: آل البيت علیهم السلام.
۴۸. ناصری، ریاض محمد حبیب، (۱۴۰۹ق)، *الواقفیه*، مشهد، کنگره جهانی امام رضا علیه السلام.
۴۹. نجاشی، احمد بن علی، (۱۳۶۵)، *الرجال*، تحقیق: موسی شبیری زنجانی، قم، جامعه مدرسین.
۵۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۹۷ق)، *الغیبة*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق.